

تحلیل هفته

شماره: 479

(03-09 سرطان 1404 هـ ش)

نگاهی به نبرد میان اسرائیل و ایران؛ اهداف، نتایج و آینده آن



این نشریه هفته‌وار، تحلیل رویدادهای مهم سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی افغانستان و منطقه است که به زبان‌های پشتو، دری، انگلیسی و عربی توسط مرکز مطالعات استراتژیک و منطقه‌ای تهیه و نشر می‌گردد.

آنچه درین شماره می خوانید:

- نگاهی به نبرد میان اسرائیل و ایران؛ اهداف، نتایج و آینده آن 3
- چرا اسرائیل بر ایران حمله نظامی کرد؟ 3
- آیا اسرائیل و امریکا به اهداف شان رسیدند؟ 4
- سناریوهای احتمالی آینده 5
- نتیجه گیری 7
- منابع 7

نگاهی به نبرد میان اسرائیل و ایران؛ اهداف، نتایج و آینده آن

مقدمه

بالآخره پس از ۴۶ سال دشمنی و درگیری‌های نیابتی و رجزخوانی کار رژیم صهیونیستی اسرائیل و جمهوری اسلامی ایران به درگیری مستقیم کشانده شد. در این درگیری که ۱۲ روز طول کشید ابتدا رژیم صهیونیستی تحت رمز عملیاتی «شیر برخاسته» حملات ترکیبی هوایی خود را به ایران هم‌زمان بالای دانشمندان هسته‌ای، فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تأسیسات زیربنایی نظامی و تأسیسات هسته‌ای آغاز کرد که در نتیجه تعدادی از دانشمندان هسته‌ای، برخی از فرماندهان ارشد سپاه شهید شده و خساراتی به تأسیسات زیربنایی و هسته‌ای ایران وارد گردید. در مقابل ایران نیز تحت عنوان «وعده صادق ۳» با استفاده از پهپاد و موشک به اسرائیل حمله کرد. پس از ۹ روز زد و خورد دو طرف، سرانجام ایالات متحده آمریکا به کارزار پیوست و تحت عنوان عملیاتی «چکش نیمه‌شب» با استفاده از بمب افکن‌های فوق پیشرفته بی ۲ چهارده بمب سیزده تنی را بر دو سایت هسته‌ای فردو و نطنز که در اعماق کوه‌ها بنا شده بودند انداخت. همچنان چندین موشک تاماهاوک را بر سایت هسته‌ای اصفهان پرتاب کرد. در پاسخ به حمله آمریکا، ایران با نام عملیاتی «بشارت فتح» با شلیک چهارده موشک به پایگاه نظامی العدید در کشور قطر به‌عنوان بزرگ‌ترین پایگاه و سرفرماندهی نظامی سنتکام آمریکا در منطقه پاسخ داد. نهایتاً این درگیری پس از ۱۲ روز با پیشنهاد آمریکا و موافقت ایران و رژیم صهیونیستی خاتمه یافته و میان طرف‌ها آتش‌بس برقرار شد. نظر به این صورت مسئله پرسش‌هایی که مطرح می‌شود این است که اهداف اسرائیل و آمریکا از حمله به ایران چه بود و به چه اندازه تحقق یافت؟ و چه سناریوهایی بر آینده آن متصور است؟

چرا اسرائیل بر ایران حمله نظامی کرد؟

پس از انقلاب اسلامی ایران، دولت جمهوری اسلامی به دلیل غصب سرزمین‌های اسلامی و بیت المقدس در فلسطین، دولت اسرائیل را نه‌تنها به رسمیت نشناخت بلکه حتی به‌عنوان یک واقعیت وجودی به صورت دیفکتو هم وجود آنرا قبول نکرد. به همین خاطر جمهوری اسلامی عنوان «رژیم غاصب صهیونیستی» را برای مخاطب قرار دادن دولت اسرائیل به کار می‌برد. عدم پذیرش دولت اسرائیل تا آنجا پیش رفته است که حتی در میادین ورزشی هم ورزش کاران ایرانی با ورزش کاران اسرائیلی مسابقه نمی‌دهند.^۱ گذشته از این ایران تنها کشوری در جهان است که شعار نابودی اسرائیل را سر می‌دهد^۲ و همانند دیگر کشورهای اسلامی طرح تقسیم فلسطین را میان دو دولت اسرائیل و فلسطین هم قبول نداشته و تأکید به همه‌پرسی برای تشکیل دولت فلسطین دارد. طرح جمهوری اسلامی این است که تشکیل دولت فلسطین باید بر اساس یک همه‌پرسی میان اعم از مسلمانان، یهودیان و مسیحیان نه مهاجران صورت گیرد.^۳ برای این منظور جمهوری اسلامی ایران از ابزارهای گوناگونی علیه اسرائیل استفاده کرده است که در لایه اول

حمایت از گروه‌ها و جنبش‌های فلسطین، در لایه دوم استفاده از حزب‌الله لبنان، در لایه سوم حمایت از دولت آل اسد در سوریه، در لایه چهارم حمایت از سایر گروه‌های در سطح منطقه خاور میانه که در دشمنی با اسرائیل قرار دارند و در لایه پنجم به صورت تشکیل یک بخش خاص برون‌مرزی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تحت عنوان «سپاه قدس» خودش می‌باشد. حتی در تهران و در میدان فلسطین یک تابلوی روزشمار نابودی اسرائیل را هم به صورت نمادین نصب کرده است. با توجه به این درجه‌ای از دشمنی جمهوری اسلامی در قبال دولت اسرائیل که فلسفه وجودی و بقای آنرا تهدید می‌کند، پیشرفت‌های صنایع موشکی ایران و فراتر از آن دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای که هرچند ایران برنامه اتمی خود را صلح‌آمیز تعریف می‌کند می‌تواند خطر نابودی اسرائیل را قریب‌الوقوع سازد. برای همین دولت اسرائیل در اتحاد با حامیان غربی خود از هر نوع تلاشی برای خنثی‌سازی طرح و نیت جمهوری اسلامی فروگذار نکرده و نمی‌کند.

رژیم اسرائیل که سال‌ها میان نابودی و بقای خود زیردست بود، پس از عملیات «طوفان الاقصی» بهانه برای حمله به گروه‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران که توسط آن کشور «محور مقاومت» خوانده می‌شد پیدا کرده و یکی را پس از دیگری درهم کوبید و در این راستا سرنگونی رژیم اسد در سوریه هم برای اسرائیل خیلی مفید واقع شد. پس از هموار شدن راه، ترامپ با طرح مذاکرات با ایران و تعیین ضرب‌الاجل دو ماهه که همه برای فریب و انحراف افکار عامه جهانی و اغفال جمهوری اسلامی بود، طرح حمله مستقیم به ایران ریخت. ترامپ به عمد با مواجه کردن مذاکرات به بن‌بست، زمینه را برای حمله مستقیم نظامی اسرائیل به ایران هموار کرد. شواهد زنجیره‌ای نشان می‌دهد که طرح این بود اسرائیل ابتدا دانشمندان هسته‌ای، فرماندهان ارشد نظامی و تأسیسات و زیرساخت‌های نظامی ایران را مورد حمله قرار داده و سپس امریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران که از توان نظامی اسرائیل بالا بود حمله کند.

آیا اسرائیل و امریکا به اهداف شان رسیدند؟

در جریان ۱۲ روز زد و خوردی که میان اسرائیل و ایران صورت گرفت هر دو طرف ادعاهای متفاوتی داشتند. در این ۱۲ روز هم بر اسرائیل و هم بر ایران خسارات شدید از جمله کشته شدن تعدادی از افراد وارد شده است.^۴ با اینکه منابع مستقل هنوز نتوانسته برآورد نهایی از میزان خسارات وارد شده به هر دو طرف را بررسی کند اما آنچه که تا هنوز تایید شده کشته شدن تعداد زیادی از دانشمندان هسته‌ای و فرماندهان نظامی ایران در نتیجه حملات اسرائیل بوده است. موشک‌های ایرانی که بر اسرائیل فرود آمده هم علاوه بر خسارات جانی خسارات تأسیساتی و زیربنایی نیز به اسرائیل وارد کرده است. با این جود آنچه که خیلی مهم است و جنگ ۱۲ روزه بخاطر آن به وقوع پیوست نابودی تجهیزات و تأسیسات هسته‌ای ایران بود امریکا در روز دهم وارد درگیری شده و به سه سایت هسته‌ای ایران حمله هوایی انجام داد. بلافاصله پس از انجام حمله دونالد ترامپ رئیس‌جمهور امریکا مدعی شد که حمله نظامی انجام یافته بالای سایت‌های

هسته‌ای فردو، نطنز و اصفهان آنها را به کلی منهدم کرده و حتی بلا فاصله پس از حمله آمریکا به سایت‌های هسته‌ای که البته با واکنش نه چندان قوی ایران همراه بود [زیرا ایران فقط با شلیک ۱۴ موشک به پایگاه هوایی العدید در قطر پاسخ حمله آمریکا را داد] ترامپ اعلام کرد که جنگ تمام شده و زمان صلح فرا رسیده و اعلام کرد که میان اسرائیل و ایران آتش‌بس برقرار گردیده است. با اینکه تا هنوز منابع ایرانی در مورد میزان خسارات وارد شده به صورت واضح آماری ارائه نکرده اما از گزارش‌های منابع ایرانی برمی‌آید که خسارات وارده به سایت‌های اصلی آن کشور بسیار شدید نبوده است. در این زمینه گزارشی جنجالی توسط آژانس اطلاعات دفاعی به بیرون درز کرده که نشان می‌دهد تمام برنامه هسته‌ای ایران کاملاً نابود نشده است.^۵ گذشته از این هنوز از سرنوشت ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده تا ۶۰ درصد معلوم نیست. گفته می‌شود که ایران قبل از حمله آمریکا به سایت هسته فردو اورانیوم غنی شده مذکور را به جای نامعلوم انتقال داده است.^۶ در این زمینه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز با وجودی که از میزان خسارات وارد شده به صورت قطعی سخنی نمی‌زند اما این را تایید می‌کند که در سایت فردو تشعشعات رادیواکتیو دیده نمی‌شود. حتی در دو سایت دیگر نطنز و اصفهان نیز به گزارش سازمان انرژی هسته‌ای تشعشعات رادیواکتیو مشاهده نشده است.^۷ به این معنا که در هر سه سایت هسته‌ای ایران اورانیوم فعال وجود نداشت که حملات بالای آنها تاثیر منفی گذاشته باشد. یا اینکه حتی این احتمال هم وجود دارد که حملات اسرائیل و آمریکا بر سایت‌های هسته‌ای ایران نتوانسته قدرت تخریبی آنچنان داشته باشد که منجر به تشعشعات رادیواکتیو شود. بنابراین از یک طرف ترامپ مدعی ست که کار را یکسره کرده و برنامه هسته‌ای ایران را به کلی نابود کرده است که به معنای برآورده شدن هدف هر دو کشور اسرائیل و آمریکا می‌باشد اما از طرف دیگر گزارش‌ها و اظهار نظرهای مقامات ایرانی نشان می‌دهد که برنامه هسته‌ای ایران کماکان پابرجا بوده و حملات اسرائیل و آمریکا فقط به آن سکتگی وارد کرده یا از لحاظ زمانی به تاخیر انداخته است. روی هم رفته با قرار هم نهادن ادعاهای طرف‌های مختلف این نتیجه‌گیری خیلی برجسته است که هرچند ایران در این جنگ متحمل تلفات و خسارات شده اما برنامه هسته‌ای آن کشور کماکان بدون آسیب جدی جان به سلامت برده است و اگر این امر ثابت شود به این معناست که جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و آمریکا با آن هدف اصلی که شروع شده بود نرسید و این قضیه سناریوهای جدیدی را در رابطه با آینده مسئله هسته‌ای ایران به وجود می‌آورد.

سناریوهای احتمالی آینده

به صورت کلی سه سناریو بر این قضیه قابل پیش بینی است:

سناریوی اول؛ این است که اگر ثابت شود که تاسیسات هسته‌ای ایران آنگونه که ترامپ ادعا می‌کند به کلی تخریب نشده و ایران توانسته ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده را به مکان دیگری که احتمالاً یک تاسیسات هسته‌ای مخفی باشد منتقل ساخته برنامه هسته‌ای خود را با سرعت و جدیت بیشتر پیش ببرد،

سناریویی که احتمالاً قابل پیش بینی است این می باشد که امریکا مجدداً به خاک ایران حمله خواهد کرد. بر اساس این سناریو جنگ که فعلاً در وضعیت آتش بس قرار دارد دوباره میان طرف های شعله ور خواهد شد زیرا نه اسرائیل اجازه می دهد که ایران برنامه هسته ای خود را ادامه دهد و نه امریکا دست از این ماجرا بر خواهد کشید. به دلیل اینکه چنانچه در ابتدای این بحث هم تاکید شد دسترسی ایران به سلاح هسته ای یا پیشرفت ایران در زمینه توسعه فنی و تکنولوژیکی در این زمینه در کنار اینکه بازدارندگی برای ایران در مقابل حملات اسرائیل و امریکا به وجود می آورد می تواند توان نظامی ایران را به اندازه بالا ببرد که اسرائیل را با یک ضربه نابود کند. این دقیقاً همان خطری است که فلسفه وجودی و بقای اسرائیل را تهدید می کند.

سناریوی دوم؛ این است که اگر ثابت شود ادعای ترامپ در خصوص نابودی کامل برنامه هسته ای ایران درست باشد دوباره احتمال بروز جنگ و درگیری میان طرفین وجود نخواهد داشت. با این هم نمی توان کاملاً تصور کرد که امریکا دست از سر ایران برداشته است. اکنون که ایران به لحاظ نظامی در موضع پایین دست قرار گرفته و اسرائیل بر حریم هوایی ایران تقریباً مسلط است شاید همانند سوریه و لبنان اسرائیل گهگاهی اهداف نظامی را در ایران مورد حمله قرار دهد زیرا با رفع خطر هسته ای ایران به اسرائیل خطر توان موشکی ایران همچنان اسرائیل را تهدید می کند. در این صورت آنچه قابل پیش بینی است این می باشد که ایالات متحده با وارد کردن تحریم های بیشتر بر ایران و تنگ ساختن فضای مانور ایران آن کشور را وادار سازد تا بالای برنامه موشکی خود با امریکا وارد مذاکره شود. احتمال اینکه ایرانی ها از برنامه موشکی کوتاه بیایند ضعیف است اما با توجه به بالا دستی اسرائیل و امریکا ایران ناگزیر به پذیرش برخی از محدودیت ها حداقل در راستای تضمین بقای خود و یا تضمین عدم حمله اسرائیل به ایران تن دهد.

سناریوی سومی هم در زمینه با این فرضیه قابل طرح است که امریکا نمی خواهد ایران به یک کشور خیلی ضعیف تبدیل شده یا فراتر از آن به طرف فروپاشی پیش برود از همین رو نه خود بیشتر وارد درگیری شد و نه اسرائیل را اجازه داد تا به عملیات خود علیه ایران ادامه دهد. دلیلی که این فرضیه را قوت می بخشد این است که پس از حمله ایران به پایگاه العدید ترامپ از پاسخ مجدد به ایران خودداری کرد درحالیکه اگر مراد ترامپ حذف جمهوری اسلامی می بود بهترین زمان و وضعیت ممکن فراهم بود. ترامپ به راحتی می توانست در شراکت با اسرائیل با وارد کردن ضربات بیشتر ایران را به طرف نابودی کامل و فروپاشی سوق دهد. مطابق به این سناریو اگر قرار باشد امریکا ایران را وادار به مذاکره کند شاید آن مذاکره صرفاً حول محور برنامه هسته ای ایران و برخی از امتیازگیری های امریکا از ایران باشد نه محدود ساختن برنامه موشکی و توان نظامی متعارف آن کشور چرا که امریکا نمی خواهد ایران کاملاً ضعیف شده یا حتی از بین برود. حتی بر اساس این برداشت می توان گفت اختلاف اساسی امریکا با اسرائیل و کشورهای عربی در این است که امریکا حامی بقای ایران می باشد در مقابل توقع آنها که می خواهند جمهوری اسلامی از میان برداشته شود. اما چرا باید امریکا اجازه دهد که ایران کماکان یک قدرت منطقه باقی بماند؟ پاسخ این است که ایران بزرگترین

ترس کشورهای عربی و حتی اسرائیل است و این ترس باعث می‌شود که کشورهای عربی و حتی اسرائیل هم حرفشنو امریکا باقی بمانند و هم بازار فروش تسلیحات امریکا در خاورمیانه گرم بوده و هم پایگاه‌های آن کشور در منطقه فلسفه وجودی داشته باشند.

نتیجه‌گیری

درگیری اسرائیل و ایران قبلاً احتمال آن پایین بود به دلیل ترس هر دو کشور از یکدیگر به خصوص قبلاً که ایران توانسته بود از طریق گروه‌های مورد حمایت خود در محور مقاومت فشار بر اسرائیل را نگه دارد با تضعیف و نابودی محور مقاومت اسرائیل زمین را برای حمله به ایران هموار کرد. در این راستا ایالات متحده امریکا به خصوص شخص ترامپ با برنامه‌ریزی گمراه کننده مذاکرات هسته‌ای با ایران مقدمات حمله اسرائیل به ایران و سپس وارد کردن ضربه نهایی توسط خودش به ایران را فراهم ساخت. در نبرد ۱۲ روزه با اینکه مشخص نیست چه میزان تلفاتی بر هر دو طرف وارد شده اما قضیه مهم وارد کردن خسارات به تاسیسات زیربنایی هسته‌ای ایران است. به ادعای ترامپ حمله امریکا توانست تاسیسات هسته‌ای ایران را با ضربه سنگین کاملاً نابود سازد در حالی که ادعای نیز مطرح می‌شود حتی از طرف خود منابع امریکایی که تاسیسات هسته‌ای ایران به میزانی که ترامپ از آن یاد می‌کند خسارت ندیده است و صرفاً توانسته آن را ضعیف کرده و به تعویق بیندازد. این وضعیت ضد و نقیض دو سناریو متضاد را در آینده محتمل می‌سازد سناریوی حمله مجدد به ایران به قصد نابودی تاسیسات هسته‌ای آن کشور و سناریوی قطع کامل جنگ و از سرگیری مذاکرات برای امضای موافقتنامه در راستای اهداف دیگر اسرائیل و امریکا که توان موشکی ایران است. هر کدام از این سناریوها بستگی به ارزیابی‌هایی دارد که در آینده نشان دهد وضعیت هسته‌ای ایران و فعالیت آن کشور که در راستای دسترسی به سلاح هسته‌ای از چه قرار است. علاوه بر سناریوی بیشتر محتمل که اساس آن اهداف منطقه‌ای امریکا در خاور میانه می‌باشد این است که امریکا صرفاً اجازه نمی‌دهد ایران به یک قدرت هسته‌ای تبدیل شود نه اینکه کاملاً نابود شود. زیرا در صورت تبدیل شدن ایران به یک قدرت هسته‌ای امریکا دیگر هیچ امتیازی از ایران گرفته نمی‌تواند و نابودی کامل آن نیز حرف‌شنوی اعراب و اسرائیل را از امریکا سلب کرده، بازار فروش تسلیحات امریکایی را در منطقه به رکود مواجه ساخته و حتی فلسفه وجودی پایگاه‌های آن کشور را در سراسر منطقه زیر سوال می‌برد. از اینرو امریکا با حذف برنامه هسته‌ای ایران اجازه می‌دهد که ایران کماکان به حیث یک قدرت منطقه‌ای به حیات خود ادامه دهد.

منابع

۱. انصراف ورزشکار ایرانی از رویارویی با حریف اسرائیلی. تسنیم، تاریخ نشر ۱۴۰۲/۲/۳۱ قابل دسترسی:
۲. سپاه پاسداران؛ تکرار شعار محو اسرائیل در روز یادبود هولوکاست. دویچه‌وله، تاریخ نشر ۱۴۰۱/۲/۸ قابل دسترسی:
۳. همه‌پرسی؛ طرح جمهوری اسلامی ایران برای فلسطین. سایت سفارت ایران در سئول. تاریخ نشر ۱۴۰۱/۲/۱ قابل دسترسی:



⁴. گزارش آناتولی از پایان جنگ 12 روزه؛ حملات ایران و اسرائیل متوقف شد. سایت عصر ترکیه، تاریخ نشر ۲۵. جون ۲۰۲۵

[قابل دسترسی:](#)

⁵. US didn't destroy Iran's nuclear programme: Here's what new intel says. Aljazeera stie, 25 Jun 2025

[available at:](#)

⁶. فایننشال تایمز: به باور اروپا، ذخایر اورانیوم ایران از بین نرفته است. سایت خبر آنلاین، تاریخ نشر ۱۴۰۴/۴/۵ [قابل](#)

[دسترسی:](#)

⁷. آژانس اتمی: حملات به سایت‌های هسته‌ای ایران نشت رادیواکتیو نداشته‌اند. سایت جهان صنعت، تاریخ نشر ۱۴۰۴/۴/۷

[قابل دسترسی:](#)

مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی یک نهاد مطالعاتی غیردولتی و غیرانتفاعی می‌باشد که در سال ۱۳۸۸ خورشیدی در شهر کابل بنیان نهاده شده است. این مرکز از طریق پژوهش‌های دقیق و بی‌طرفانه خویش به منظور ارزیابی و غنای پالیسی‌ها در افغانستان و منطقه فعالیت می‌کند.

ارتباط با ما:

ایمیل: info@csrsaf.org

وب سایت: www.csrsaf.org



: +93780618000

تماس: +۹۳۷۸۰۶۱۸۰۰۰



www.csrsaf.org



info@csrsaf.org